

کاشفان اولیه نفت

در مسجد سلیمان، قبل از ویلیام داریسی!



مقدمه

کشف نفت در ایران به عهد باستان و دوره ساسانیان برمی گردد و به گفته فردوسی در شاهنامه و سایر منابع تاریخی، در آن عهد ایرانیان از وجود نفت و قیر در مناطق جنوب غربی کشور به ویژه در خوزستان باخبر بودند و از این منابع در قیر اندود کردن دیوارها، ساختن بناها، کوره‌های ذوب فلز، افروختن آتش، تولید گرما و نیز در جنگ‌ها و نبردها استفاده می‌کردند. حماسه‌سرای بزرگ ایران، فردوسی توسی می‌گوید:

بیا کند چرمش به زهر و به نفت
سوی ازدها، روی بنهاد تفت

و در جای دیگر می‌فرماید:

به اسب و به نفت اندر آتش زدند
همه هندیان دست بر سر زدند

قیر نیز از عناصر موجود در نفت خام است که ایرانیان از چند هزار سال قبل آن را می‌شناختند و آن را از نفت بدست آورده و مورد استفاده

قرار می‌دادند.

در آغاز داستان بیژن و منیژه و در شاهنامه فردوسی، آنجا که پیر خردمند توس شب را توصیف می‌کند، واژه «قیر» به زیباترین سخن به نظم درآمده است:

شبی چون شبه، روی شسته به قیر
نه بهرام پیدا، نه کیوان، نه تیر
چو پولاد، زنگار خورده سپهر
تو گویی، به قیر اندر اندود، چهر
سپهر اندر آن چادر قیرگون
تو گفتی شده سستی به خواب اندرون

به جز این، منابع گوناگونی وجود دارد که حاکی از شناخت ایرانیان از نفت و مشتقات آن بوده است.

در سال ۱۲۷۱ شمسی، یعنی حدود ۱۱۵ سال پیش، دو مورگان باستان‌شناس فرانسوی که در حفاری‌های باستان‌شناسی ایران امتیازاتی کسب کرده بود، در کتاب خود، با توجه به مشاهدات و مدارک باستانی

زمان وجود خارجی نداشت و هنوز نفت در کشور ما استخراج نمی‌شد. کاروانیان در نزدیکی این چاه که سال‌ها بعد کشف شد، مستقر شده و هر نوبت یک تا دو روز در آنجا می‌ماندند و سپس به سفر خود ادامه می‌دادند.

افراد کاروان در طول اقامت خود هر از گاه برای جمع‌آوری بوته، یا در جستجوی آب و احتمالاً از سر کنجکاوای در اطراف محل استقرار کاروان گشت و گذاری می‌کردند، تا اینکه در همان نزدیکی، دره‌ای موسوم به «دره خرسان» نظر آنها را جلب می‌کند.

این دره که هنوز هم وجود دارد، از این جهت به دره خرسان شهرت داشته که مأمّن و جایگاه خرس بوده و چه بسا، قافله‌سالاران برای مصون بودن از حمله خرس‌های این دره، نگهدارانی را برای حفظ جان کاروانیان می‌گماشتند.

یک روز تعدادی از افراد کاروان، تصمیم می‌گیرند، تا انتهای دره پیش بروند و از اوضاع و احوال این مکان نامسکون که تا آن عهد شاید پای انسانی به آنجا نرسیده بود با خبر شوند.

پس از دقایقی پیاده‌روی در کنار صخره‌ها، توجه این افراد به چشمه‌ای جوشان جلب می‌شود که از بالای دره دیده نمی‌شد.

زمانی که افراد به چشمه نزدیک می‌شوند، می‌بینند مایعی که از این چشمه جاری می‌شود، مخلوطی از آب و ماده‌ای غلیظ و سیاه‌رنگ و بدبو است. به این صورت که آب در زیر و ماده سیاه‌رنگ روی آن، به طرف سرازیری جاری بوده است.

در آن زمان افراد به هیچ وجه متوجه کشف بزرگ خود نمی‌شوند و پس از بازگشت موضوع را به اطلاع سایر کاروانیان می‌رسانند و یکی از افراد که آگاهی و تجربه بیشتر داشته، به آنها خبر می‌دهد که ممکن است آن ماده سیاه‌رنگ قیر باشد! پدر بزرگم تعریف می‌کرد، پیدایش نفت و قیر در ایران باستان در شاهنامه فردوسی توصیف شده و پیش از آن در عهد ساسانیان نیز از قیر در ساختن بناهای تاریخی، قیر اندود کردن دیوارها، آتش‌بازی، فروختن آتش و جنگ‌ها استفاده می‌شد. آثار به جا مانده تاریخی از وجود قیر در آن عهد، در شادروان‌های (سدهای) شوشتر دیده می‌شود و حتی بقایای یکی از سدها، موسوم به «بند قیر» در مسیر رودخانه کارون و در شوشتر وجود دارد.



و تاریخی خود یادآور شده بود که امکان وجود نفت در مناطق جنوب غربی و شرقی ایران وجود دارد، وی هم‌چنین و در آن سال گفته بود: در چند جای مسجد سلیمان، چشمه‌های طبیعی نفت از زمین می‌جوشد و گروهی از مردم شوشتر موسوم به سادات قیری چندین دهه است که این نفت را جمع‌آوری و در خوزستان به فروش می‌رسانند.

این گزارش‌ها و بررسی‌های دیگر سبب شد تا نظر ویلیام دارسی به ایران جلب شود. به نوشته تاریخ، حفاری‌های اولیه دارسی در چپاسرخ و ماماتین به هیچ نتیجه‌ای نرسید اما سرانجام پس از ۷ سال کوشش چاه شماره یک مسجد سلیمان به نفت رسید. نظر خوانندگان را به مقاله «سرگذشت قرارداد دارسی و بوجود آمدن شرکت نفت انگلیس و پرشیا» در شماره ۷۰-۶۹ مجله اقتصاد انرژی جلب می‌نماید که در آن این واقعه تاریخی بطور مبسوط بیان شده است.

به هر حال داستان ۱۰۰ ساله نفت در کشور ما، با وجود همه آنچه که درباره آن گفته و شنیده شده به زمان بزرگی می‌ماند که هنوز بسیاری از صفحات آن نوشته نشده است. به معنای دیگر درباره سرگذشت نفت در ایران هنوز هم هستند، کسانی که نکات بسیاری برای گفتن دارند، لیکن به دلایل گوناگون نتوانسته‌اند گفتنی‌های خود را برای دیگران نقل کنند. این گروه از افراد، کسانی هستند که نه دستی بر قلم دارند و نه با روزنامه‌نگار و یا پژوهشگری مواجه شده‌اند تا خاطرات نانوخته خود را بیان کنند.

یکی از این افراد سیدعبدالحسین مطهر ۸۱ ساله از بازماندگان «سادات قیری» شوشتر و از نخستین کارآموزان صنعت نفت در مسجد سلیمان و همکار بازنشسته شرکت نفت پارس است.

ضمن معرفی خودت از نفت و خاطرات آن بگو، سادات قیری که قبل از کشف اولین چاه نفت در ایران، این ماده سیاه‌رنگ را می‌شناختند و از آن بهره‌برداری می‌کردند، چه کسانی بوده‌اند؟

متولد شوشتر هستم؛ زمان انگلیسی‌ها به عنوان کارآموز باگذراندن ۳ ماه دوره کارآموزی در شرکت نفت ایران و انگلیس استخدام شدم. در آن زمان «مستر پلایر» سرپرست بخش آموزش بود.

چون معدل امتحانات کارآموزی من خوب بود در بخش ابزار دقیق مشغول به کار شدم. قبل از آن نیز گواهینامه ششم ابتدایی را در مسجد سلیمان گرفته بودم، از آن زمان شاهد رشد صنعت نفت بودم. بعد از مسجد سلیمان به تدریج، هفتکل، نفت سفید اهواز، آغاچاری، آبادان، گچساران، پازنان و چند منطقه دیگر به جرگه مناطق نفتی پیوستند.

سادات قیری، طایفه‌ای از طوایف خوزستان بودند که در شوشتر زندگی می‌کنند (مجله اقتصاد انرژی: در برخی به منابع به دزفول نسبت داده شده‌اند). سابقه نسبی این طایفه، بر اساس شجره‌نامه‌ای که از قدیم مانده و هنوز در خانواده نگهداری می‌شود، به امام موسی کاظم (ع) می‌رسد.

چرا این طایفه را سادات قیری می‌خواندند؟

موضوع از این قرار است که برخی از اجداد ما در عهد قاجاریه، بارزگان بودند. اینان کالایی را با اسب و استر از شوشتر به اصفهان می‌بردند و در آن شهر با کالاهای دیگر مبادله کرده، به شوشتر می‌آوردند و می‌فروختند. آن زمان حرکت کاروان‌ها، منزل به منزل بود، یعنی پس از چند کیلومتر راهپیمایی در مکانی مستقر شده و پس از استراحت عازم مقصد می‌شدند. یکی از استراحت‌گاه‌های آنان بر سر راهشان، مکانی در نزدیکی چاه شماره یک نفت در مسجد سلیمان بود. این چاه در آن

و خمیری شکل برداشت می‌شد و پس از سفت شدن، با همان وسایل ابتدایی برای فروش به شوشتر و سایر شهرها از جمله مسجد سلیمان انتقال می‌یافت.

از قیر چه استفاده‌ای می‌کردند؟

در آن زمان قیر، استفاده‌های متعددی داشت، از جمله تولید بوریا، جداسازی شلتوک از برنج، اندود کردن ساختمان، گرم کردن کوره‌های صنعتگری و مصارف دیگر که به تدریج بر انواع آن اضافه می‌شد. از سال‌های ۱۳۰۰ شمسی به بعد که گرفتن شناسنامه اجباری شد، وقتی که به مأموران ثبت احوال مراجعه می‌شد، به مراجعه‌کننده می‌گفتند: چه فامیلی را می‌خواهی؟ اکثر افراد که به طور عموم بی‌سواد بودند برای این سؤال پاسخی نداشتند. سرانجام مأمور می‌رسید چکاره‌ای؟ و مثلاً نام فامیل کسی که نجار بود، می‌شد؛ نجارزاده، یا آهنگر بود می‌شد چلنگر و به همین ترتیب افراد نامگذاری می‌شدند. اجداد من هم گفته بودند کار ما تهیه قیر است و به این ترتیب نام فامیل قیری به آنان داده می‌شود. البته بعدها برخی از نوه‌ها و نوادگان تقاضای نام فامیل دیگری را کردند که پدر من «مطهر» را انتخاب کرده بود.

آیا اسناد و شواهدی هم وجود دارد که خانواده شما قبل از کشف اولین چاه نفت در مسجد سلیمان از این منطقه قیر استخراج می‌کردند؟

بله، ما یک سند تقریباً ۱۰۰ ساله داریم که هنوز مهم معتبر است. این سند قراردادی است که سادات قیری با داریسی بسته‌اند! ماجرا به سال ۱۹۰۷ میلادی برمی‌گردد. براساس آنچه که از پیرمردهای خانواده شنیده‌ام، زمانی که آنها در نزدیکی «چشمه خراسان» قیر می‌بختند و می‌فروختند، شخصی بنام دومورگان که فرانسوی و باستان‌شناس بود، به منطقه مسجد سلیمان می‌آید و از چند و چون قضیه آگاه می‌شود. دومورگان پس از مشاهده چشمه جوشان نفت و آب در دره خراسان، موضوع را به آگاهی روسای خود می‌رساند و سرانجام پس از اتفاقاتی، انگلیسی‌ها که بوی نفت را شنیده بودند وارد ماجرا می‌شوند. نقل می‌کنند زمانی که دومورگان به مسجد سلیمان آمد، افرادی را دید که با لباس محلی نفت و قیر می‌فروشدند! با کنجکاوی زیاد این مسأله را دنبال کرد تا به دره خراسان رسید و از نزدیک شاهد چشمه جوشان نفت و آب شد.

زمانی که نماینده داریسی به محل کار سادات قیری می‌آید، از آنها می‌خواهد تا در چند قدمی دره خراسان چاه نفتی بزند و مدعی می‌شود که با دولت قرارداد بسته است.

سادات قیری ابتدا رضایت نمی‌دهند و نماینده داریسی موضوع را با نمایندگان دولت مطرح می‌کند، بالاخره مقرر می‌شود تا رضایت افراد محلی به هر طریق جلب شود.

این قضیه منجر به انعقاد قراردادی بین سادات قیری و داریسی شد. براساس این قرارداد مقرر می‌شود، اگر چاه نفت داریسی (چاه شماره یک مسجد سلیمان) به نفت رسید، کمپانی داریسی، سالی ۱۰۰۰ من نفت و ۹۰۰ قران احمد شاهی (نقره) به سادات قیری بپردازد.

چه شد که خانواده سادات قیری با ویلیام داریسی روبه‌رو شدند؟

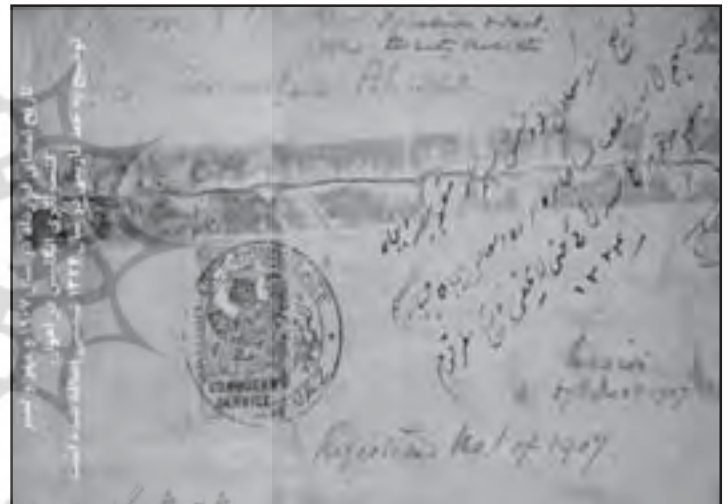
اوایل سال‌های ۱۹۰۱ به بعد که داریسی برای کشف نفت، امتیاز آن را از حکومت وقت دریافت کرد، (به نقل از پدر بزرگم)، داریسی، مأموران اکتشاف خود را به ناحیه مسجد سلیمان گسیل داشت. البته پیش از آن هم برخی از گماردگان انگلیس از منطقه دیدن کرده بودند و می‌دانستند؛

در یکی دو سفر بعدی اجداد خانواده قیری، با کسب آگاهی بیشتر، تصمیم می‌گیرند، به جای تحمل رنج سفر و ضرر و زیان گاه به گاه تجارت و برای مصون ماندن از حمله راهزنان و سایر مشکلات، در همین محل اطراق کرده و از ماده سیاه‌رنگ چشمه «دره خراسان» بهره‌برداری کنند.

به این ترتیب، با ایجاد آب بند کوچکی در مسیر چشمه خراسان، جریان عبور آب و نفت را متوقف می‌کنند، به طوری که برکه‌ای بزرگ در آنجا ایجاد می‌شود.

به تدریج سرپناه موقت برپا می‌شود و ساکنان دره نامسکون، با استفاده از مشک‌هایی از پوست گوسفند، لایه رویی آب داخل برکه، (نفت خام) را با دست جدا کرده و بوسیله الاغ و استر به مسجد سلیمان انتقال داده و به فروش می‌رسانند. البته نفت استحصال شده فوق‌العاده غلیظ و سیاه‌رنگ بوده و فقط به مصرف سوخت می‌رسید و طبعاً کسی از اهمیت و ارزش مواد درون آن آگاهی نداشت.

اجداد من پس از رونق گرفتن کارشان در صدد برمی‌آیند تا از نفت چشمه خراسان، قیر استخراج کنند. آنان بر اثر تجربه و کسب آگاهی از



مردان کهنسال قبیله، اولین وسیله دست‌ساز تولید قیر را می‌سازند. این وسیله یک دیگ استوانه‌ای شکل به ارتفاع ۴ متر و قطر ۲ متر مربع بوده که در پایین بدنه آن حفره‌ای ایجاد کرده بودند. این دیگ بزرگ را در نزدیکی برکه‌ای که گفته شد، بر روی اجاق سنگی بزرگی مستقر کرده بودند و پس از مسدود کردن حفره آن با سنگ و آهن، داخل آن را تا اندازه‌ای پایین‌تر از لبه دیگ، پر از نفت خام می‌کردند.

پس از آن، زیر دیگ را با استفاده از همان نفت خام روشن می‌کردند و آتش شدید به مدت یک هفته، مایع درون آن را گرم می‌کرد.

استادکاری که از دیگران تجربه بیشتری داشت، به طور مرتب و با استفاده از نی‌های بلند، میزان غلظت مایع را می‌سنجید و با اعلام اینکه قیر رسیده‌است، تقریباً پس از یک هفته دستور می‌داد آن را تخلیه کنند. پس از یک هفته، آب و برخی دیگر از مواد درون دیگ تبخیر شده و باقیمانده آن به صورت قیری مذاب در داخل دیگ باقی می‌ماند.

بهره‌برداران بومی، در یک گروه ۷ تا ۸ نفره - درحالی که مایع قیر در حال جوشان و غلیان بود- با ترفندهای ابتکاری خود، حفره بسته شده پایین دیگ را باز کرده و قیر مذاب را در همان برکه تخلیه می‌کردند. به این ترتیب قیر مذاب پس از خنک شدن در آب به صورت لایه لایه

متن قرارداد

متن قرارداد، دارای هشت شرط است که هر کدام توضیح داده شده و در بخش‌های قابل خواندن آن نکات زیر به چشم می‌خورد:

شرط اول: مستر جی. پی. رینلدسن وکیل داری، به نیابت از او متعهد شده است که در ارتباط با موضوع قرارداد، در ماه اکتبر هر سال مقدار یک‌هزار و پانصد من شوستر نفت و مقدار یک‌هزار و پانصد من شوستر قیر به نمایندگان سادات قیری تحول داده و نفت و قیر استخراج شده خود را به هیچ‌وجه در شوستر و دزفول نفروشد.

یادآور می‌شود، براساس اوزان و مقیاسات قدیم، هر من شوستر معادل ۷ کیلوگرم امروز بوده است. علاوه بر نفت و قیر گفته شده در شرط دوم نمایندگان داری موظف هستند هر سال ۱۵۰ تومان پول نقد نیز به موجد پرداخت کنند.

وکیل مستر داری موظف است نفت مربوطه در میدان نفتی «نفتون» (نفتون) را هر کجا صلاح می‌داند، در یک حوض آهنی تسلیم نموده و مقدار قیر تعیین شده را منحصراً در شوستر تحویل دهد.

همچنین در خصوص قیر طبیعی، خانواده قیری می‌توانند، سالی

افرادی در این محل از چشمه‌های طبیعی نفت بهره‌برداری می‌کنند! با چنین پیشینه‌ای رینولدز نماینده داری و رئیس عملیات نفت ایران، در آن زمان به منطقه آمده و مطالعات اولیه را برای حفر چاه نفت آغاز می‌کند.

در همین ایام که سادات قیری سرگرم بهره‌برداری از چشمه‌های جوشان نفت بودند، به این امر اعتراض کرده و یادآور می‌شوند که این منطقه سرزمین آباء و اجدادی آنهاست و آنان نمی‌توانند به اکتشاف دست بزنند.

مراتب این اختلاف، به کنسولگری انگلیس در اهواز و سپس به دولت مرکزی گزارش می‌شود و حکومت وقت پیشنهاد می‌کند که انگلیسی‌ها زمین‌های مزبور را از سادات قیری اجاره کنند.

پس از شور و مشورت با بزرگان محلی و روحانیون آن زمان، قراردادی میان دو نفر از نمایندگان سادات قیری و نماینده داری منعقد و به مهر و امضای طرفین و شهود می‌رسد.

این قرارداد در چه سال منعقد شده و نسخه‌های اصلی آن کجاست؟

نسخه اول این قرارداد، در سال ۱۹۰۷ یعنی درست یکسال قبل از به نفت رسیدن چاه شماره یک مسجد سلیمان میان اجداد قیری و نماینده داری به امضاء رسید. یک نسخه اصلی آن همراه با نسخه‌های تمديد شده (۳ سال یک بار قرارداد تمديد می‌شده است) نزد خانواده قیری در صندوق امانات یکی از بانک‌های کشور نگهداری می‌شود. نسخه‌های اصلی دیگر در اسناد شرکت ملی نفت ایران در اهواز و قطعاً نسخه‌های هم نزد کارگزاران انگلیسی وجود دارد.

قرارداد «قیری-داری» و مفاد آن

یادآور می‌شود که به موجب ماده هشتم قرارداد، «رأس هر سه سال داری می‌تواند این قرارداد را فسخ کرده و استفاده از نفت را در اختیار سادات قیری قرار دهد و ادعایی نداشته باشد». به معنای دیگر، چنانچه این اقدام را انجام ندهد، یعنی قرارداد را تمديد نکند، قرارداد لغو خواهد شد. لیکن قرارداد سادات قیری با داری در اول اکتبر ۱۹۱۱ تمديد شده و همچنان ادامه داشته و بعد از ملی شدن نفت نیز تمديد قرارداد میان شرکت ملی نفت ایران و بازماندگان خانواده قیری اجرا شده که همچنان برجاست.

موضوع قرارداد به طور خلاصه اجاره دادن زمین‌های موروثی قیری به ویلیام داری است تا بتواند با استفاده از قرارداد منعقد خود با دولت مرکزی، در آنجا دست به اکتشاف یا تداوم آن بزند.

مشخصات دیگر قرارداد

این قرارداد در تاریخ اول اکتبر ۱۹۰۷ به امضای طرفین رسیده است.

اجاره دهندگان سید لطف‌اله ولد مرحوم سید کریم قیری و آقا سید آقایی ولد مرحوم سید محمد قیری و کلاً از جانب سادات قیری هستند. موجد (اجاره کننده) ویلیام داری است و وکیل وی مستر جی. پی. رینلدسن آن را امضاء کرده است.

به طور کلی اثر ۷ مهر و امضای طرفین، شامل مهر و امضای مجتهدین شوستر و کنسولگری انگلیس در اهواز در زیر و اطراف قرارداد، مشاهده می‌شود که بعضی از آنها ناخوانا بوده و بر عهده متخصصان اسناد قدیمی است که متون این مهرها و متن اصلی قرارداد و متون انگلیسی آن را مطالعه و به دقت آشکار کنند.



دویست و پنجاه بار الاغ، که در حوالی چشمه‌های واقع در میدان «نفتون» پیدا می‌شود ف بدون قیمت (پرداخت هزینه) بردارند و کرایه حمل و نقل آن بر ذمه سادات است.

شرط پنجم: این ورقه به مهر و امضای مجتهدین شوستر مزین و به این طور ختم گردید که دیگر هیچ اشکالی، نه شرعی و نه عرفی و نه عرض و نه اسباب دردسری در میان آید.

شرط ششم: منافع این قرارداد به نماینده و یا رییس خاندان سادات قیری که زیر قرارداد را امضاء کرده، تحویل داده شده و باید رسید به مهر و امضای او برسد. همچنین اگر کسی بخواهد به وکیل مستر داری نامه بنویسد، توسط کنسولگری محمره (خرمشهر) ارسال دارد.

شرط هفتم: این مقاله نامه جاری خواهد ماند تا زمانی که امتیاز از جانب اعلی حضرت همایونی (پادشاه قاجار) به جناب فخامت نصاب مستر ویلیام ناکس داری داده شده باقی است و مستر داری را اختیار فسخ است. در مورد شرط هشتم نیز در ابتدای مقال توضیح داده شده است.

نقل از: مجله نفت پارس